



شورای عالی حوزه علمیه قم

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران

مدرسه علمیه حضرت امام حسین علیه السلام

شهرستان یزد (سطح ۳)

عنوان :

بررسی نسبت میان دانش فقه و علم اخلاق

استاد راهنما :

آقای میرخلیلی

محقق :

رضیه رئیسی (بامدرک سطح ۲) ۹۱۱۳۱۳۰۱۱۵

بهار ۹۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



شورای عالی حوزه علمیه قم

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران

مدرسه علمیه حضرت امام حسین علیه السلام

شهرستان یزد (سطح ۳)

عنوان :

بررسی نسبت میان دانش فقه و علم اخلاق

استاد راهنما :

آقای میرخلیلی

محقق :

رضیه رئیسی (بامدرک سطح ۲)

بهار ۹۴

تحمیدیه:

حمد و سپاس مخصوص خدایی است که پروردگار جهانیان است، لطف و رحمت او همه مخلوقات را در برمیگیرد

تقدیریه:

خداوند متعال را سپاسگزارم که توفیق کار پژوهشی جدیدی را به بنده عطا کرد. از استاد گرامی آقای

میر خلیلی تشکر میکنم از همسر عزیز و فرزندان صبورم بسیار متشکرم برای همگی آرزوی موفقیت و عاقبت به

خیری دارم.

چکیده:

بخش مهمی از معارف مورد نیاز انسان را دانش فقه و علم اخلاق تشکیل می‌دهد. به منظور بررسی رابطه بین این دوشاخه از علم باید با تعریف لغوی و اصطلاحی و موضوع آنها و همچنین امتیازات هر کدام از قبیل مطلق بودن علم اخلاق و فطری بودن و پاسخگویی علم فقه به تمام نیازهای بشر و... آشناسویم و سپس روابط مفروض بین اندو مثل نظریه رابطه تباین، رابطه اتحاد (عموم و خصوص) و در ادامه رابطه تعامل علم اخلاق و فقه که مکمل بودن آن دو نسبت به همدیگر را بیان میکند آمده است.

نه دانش فقه به تنهایی می‌تواند انسان را در مسیر سعادت به پیش ببرد و نه علم اخلاق جدای از فقه، کارساز است و این دو به قدری باهمدیگر آمیخته اند که در اکثر مراحل علم فقه مثل استنباط، استخراج و کاربرد آن همراهی و تأثیر علم اخلاق قابل مشاهده است. کسانی که به متضاد بودن آن دو علم معتقد بودند، بخش مهمی از واقعیت های زندگی انسان را در نظر نگرفته اند و یا از کاربردی بودن فقه و تأثیر اخلاق غفلت ورزیده اند. البته در رابطه آمیختگی فقه و اخلاق هم، یک نکته را نباید فراموش کنیم که در زمینه نسبیت و تأثیر این دو علم در یکدیگر و همچنین گستردگی قلمرو علوم مذکور، افراط و تفریطی صورت نگیرد و همواره تعامل فقه و اخلاق در حالت تعادل باقی بماند.

واژگان کلیدی: اخلاق، فقه، فقه و اخلاق، تعامل

اگر بعضی از اجزای واجب و یا مستحب عمل عبادی را به قصد ریا بجا آورد و یا اصل عمل برای خدا باشد ولی انجام آن در مکانی خاص مثل مسجد و یا زمانی خاص مثل اول وقت به قصد ریا باشد، باطل است.^{۳۱}

در روایاتی از پیامبر اکرم و امامان اهل بیت علیهم السلام نقل شده، نیز آمده است:

قال الله عزّ و جلّ: «أنا خير شريك، من أشرك معي غيري في عمل عمله لم أقبله إلّا ما كان لي خالصاً.

ج) صدقات مستحبّه که در «فقه» خصوصیات و جزئیاتش آموخته می‌شود مطابق آیه "يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى"^{۳۲} با منت و آزار که از رذائل اخلاقی است باطل و محو می‌شود.

تأثیر اعتقاد و اخلاق در استنباط:

"اضافه بر آنچه گفته شد از تأثیر اعتقادات دینی و مکارم اخلاقی (که روح شریعت و هدف نهایی دین است) در شفافیت استنباط مسائل فقهی نیز، نباید غافل شد، زیرا فقیه هنگامی که دارای ایمان قوی و مقام عدالت اخلاقی باشد اولاً: به هنگام استنباط احکام، نهایت دقت را به خرج می‌دهد تا نزد خدا مسئول نباشد و ثانیاً: حبّ و بغض‌ها و منافع شخص و گروهی هرگز مانع او در جهت استنباط احکام نمی‌گردد و به همین دلیل غالباً آنچه را به حقّ و عدالت نزدیک‌تر است و مطابق نظر شارع مقدّس است استنباط می‌کند و به صورت مسائل فقهی در اختیار مردم می‌گذارد.^{۳۳}

"جلوه دیگر تأثیر متقابل فقه و مسائل اخلاقی و اعتقادی و دست در آغوش هم بودن این دو، در این است که ملاحظه مهم‌ترین مقوله اخلاق که «عدالت» نام دارد و از مقاصد عالیّه دین است و نیز ملاحظه سایر اهداف و مقاصد دینی، به عنوان اصلی از اصول استنباط، باید مورد توجه فقیهان باشد.

توضیح اینکه «فقه» در برابر تمام دین مسئول است و فقیه نمی‌تواند رأیی صادر کند که با یکی از اهداف و مقاصد دینی ناسازگار باشد، مثلاً اگر حکمی و فتوایی با استقرار قسط و عدالت اجتماعی تعارض داشته باشد باید در آن تأمل بیشتری شود و با ملاحظه‌ای مجدد و نگاهی همه سویه و کشف بعضی از قیود و خصوصیات موضوع واقعی حکم، این تعارض مرتفع گردد. به هر حال لازم است اصل «هماهنگی با اهداف و مقاصد دین و روح شریعت» به مثابه اصلی از اصول استنباط، مورد توجه قرار گیرد.

بر همین اساس است که بسیاری از آیاتی که متعرّض مسائل فقهی است آمیزه‌ای است از احکام فقهی و اشاره به رعایت عدالت و دوری از ظلم و بی‌عدالتی دارد^{۳۴}،

^{۳۱} . عروة الوثقی کتاب الصلّاة، فصل النّیّة، مسألة ۸.

^{۳۲} . بقره/۲۶۴

^{۳۳} . ناصر، مکارم شیرازی، ص ۵۹

^{۳۴} . همین، ص ۸۰

نکته پایانی:

افراط و تفریط در تعیین قلمرو فقه:

"افراط در تعیین قلمرو فقه این است که برای فقه، حتی در جزئیات زندگی روزمره، نقش، قائل شویم و احکام پنج‌گانه را به تمام رفتارهای آدمی در همه حوزه‌های زندگی جاری بدانیم نظیر آنچه از بعضی مشایخ صوفیه نقل شده که گفته است: من هرگز فلان میوه را نخوردم زیرا تا به حال نتوانستم بفهمم که آیا رسول خدا آن را تناول می‌فرموده یا نه؟! و اگر می‌خورده، چگونه آن را می‌خورده است و نیز نظیر آنچه از بعضی علما نقل شده که حتی در شوخی و مزاح، مقید بوده به شوخی‌های مأثوره اکتفا کند!!

اینگونه تلقی، مبتنی بر این پندار است که انسان، کفایت اداره زندگی را در هیچ حوزه‌ای ندارد و برای هر حرکتی باید پیشتر حکم آن را از شریعت پرس‌وجو کند.

بعضی گفته‌اند: شکلی از این دریافت افراطی را می‌توان در پیروان فقه حنبلی مخصوصاً شاخه سلفی‌ها مشاهده کرد که تحت عنوان بدعت، هر نوآوری در زندگی روزمره را منکرند و با صنایع و تکنولوژی جدید به نحو مطلق به مخالفت برمی‌خیزند!^{۳۵}

"تفریط در تعیین قلمرو فقه همان نظر بعضی از مسلمانان به اصطلاح نوگراست که می‌گویند: دین فقط موازین و ارزش‌های کلی مربوط به هدایت را بیان کرده و اجرای آن را به خود انسان واگذار نموده است. به بیان دیگر: دین هیچ دخالتی در شیوه سامان دهی و ساخت زندگی بشر نکرده است و فقط هدایت معنوی و اخلاقی انسان را به عهده دارد."^{۳۶}

^{۳۵} ناصر، مکارم شیرازی، ص ۷۱

^{۳۶} محمد بن حسن، حر عاملی، تفصیل وسایل الشیعه، ج ۱، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، قم، ۱۴۰۹ ه. ق. ص ۲۷-۲۶.

نتیجه:

بامطالعه و تفکر در علوم اسلامی مختلف در می یابیم که در آموزه های اسلامی برای تمام ابعاد زندگی انسان مثل بعد فردی و اجتماعی، حرکات و رفتارها، بایدها و نبایدها و... برنامه کامل و جامع وجود دارد. ازجمله این علوم، دانش فقه و علم اخلاق است. اثبات رابطه همبستگی و تعامل آنها از نتایج این تحقیق است. همچنین نیازمندی فقه و اخلاق و تأثیر فراوان آنها در یکدیگر بیان شده است. نتیجه دیگری که برداشت می شود، این است که با توجه به اهمیت فقه و اخلاق در انسان سازی، باید به گستردگی قلمرو آنها توجه داشته باشیم تا دچار احساس تفریط در این زمینه نشویم. کسانی که به روابط احتمالی دیگر، برای فقه و اخلاق معتقدند، با مطالعه کتب و منابع معتبر و هم چنین مقاله هایی مثل آنچه بیان شد که نظریه صحیح تعامل آن دو را بیان می کند، می توانند به تصحیح عقیده خود کمک کنند و نتایج این تحقیق می تواند در مراکز علمی آموزشی و تخصصی فقه استفاده گردد.

فهرست منابع:

۱- قرآن مجید

- ۲- بانو مجتهد امین، اخلاق، ترجمه طهارة العراق ابن مسکویه، نهضت زنان مسلمان، قم، ۱۳۶۰
- ۳- جعفری، محمدتقی، نهج البلاغه، حکمت ۴۴۹، تهران، شرکت تعاونی کار آفرینان فرهنگ و هنر، ۱۳۸۶
- ۴- خمینی، روح الله، شرح چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله علیه، ۱۳۷۱
- ۵- اصفهانی، حسین بن محمد راعب، مفردات ألفاظ القرآن، در یک جلد، دار العلم - الدار الشامیة، لبنان - سوریه، اول، ۱۴۱۲ هـ - ۶- سبحانی، جعفر، حسن و قبح عقلی، ص ۳۹، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۸۶
- ۷- طباطبایی بروجردی، حسین، مهدی حسینیان قمی، محمدحسین صبور، منابع فقه شیعه، ج ۲۲، انتشارات فرهنگ سبز، چاپ اول، تهران
- ۸- طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ج ۲، دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۷۲
- ۹- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، عروة الوثقی، ج ۱، مکتبة العلمیة الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۹ هـ. ق
- ۱۰- عاملی، حر، محمد بن حسن، تفصیل وسایل الشیعه، ج ۱، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، قم، ۱۴۰۹ هـ. ق
- ۱۱- فرانکا، ویلیام کی، فلسفه اخلاق، ترجمه هادی صادقی، قم، کتاب طه، ۱۳۷۶
- ۱۲- فیض کاشانی، محسن، المحجّة البيضاء فی تهذیب الاحیاء، ج ۵، تصحیح علی اکبر غفاری، نشر اسلامی، قم، [بی تا].
- ۱۳- قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۵، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم، تهران
- ۱۴- کلینی رازی، بی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، اصول کافی، ج ۱، ترجمه سید هاشم رسولی، انتشارات علمیه اسلامیة
- ۱۵- مجلسی، سید محمد باقر، بحار الانوار، ج ۶۸، مؤسسه وفا، چاپ دوم، بیروت، ۱۴۰۳ هـ. ق
- ۱۶- مدرسی، سید محمد رضا، فلسفه اخلاق، تهران، سروش، چاپ دوم، ۱۳۷۶
- ۱۷- مصباح یزدی، محمد تقی، مشکات مصباح، نگارش احمد حسین شریفی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹
- ۱۸- مطهری، مرتضی، فلسفه اخلاق، صدرا، تهران، ۱۳۶۷
- ۱۹- -----، کلیات علوم اسلامی، تهران، صدرا، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۸
- ۲۰- حسین، مظاهری، رساله توضیح المسائل احکام، اخلاق، اعتقادات، انتشارات فرهنگی مطالعاتی الزهرا، قم، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۹
- ۲۱- معلمی، حسن، مبانی و معیارهای اخلاق، ص ۱۵۵، قم، نشر هاجر، چاپ اول، ۱۳۸۸
- ۲۲- مکارم شیرازی، ناصر، دائرة المعارف فقه مقارن، انتشارات مدرسه علی بن ابیطالب، چاپ اول، قم، ۱۴۲۷ هـ. ق

۲۳- یوسفیان، نعمت الله، شخصیت و دیدگاه های فقهی امام خمینی رحمه الله علیه، مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه
در سپاه، قم، چاپ اول، ۱۳۷۹